

همی یافتم این خطاب بلند

نه دانسته بودم باین عزتی

که این هست از مهرهای شما

اگر تا توانم که کار سخا

نه کنم فراموش احسان این

وز آن پس فرستاد نزدیک ساین

ز حکم خداوند نیکی پسند

که بخشند مرا این چنین جرمی

و عا دشما این پذیرد خدا

کنم هر زمان از دل پر صفا

که بیشک بدانید پاران دین

ابا آبرو از دل محسبان

رباب بخشیدن خطاب بار و نیت سر

مشییدی را از سر کار انکلند و انجمن شدن

قوم بیکبئی در ثاؤن حال و نهادن

صورت سنک سمرجندی

<p>که این داستانست پر آشکار که ظاهر خطابی در انوقت گشت که آن فاش گشته است چو مهر زمان ابا آبرو و ابا فقر و مهر بساون بل باول باجان تن و در نام القیسن پاک خو وزان پس که حاکم بگفت سخن یکی صورت سنک سازیم باز</p>	<p>شنوای نکو مرد پاکیزه کار بیشتره صد به پیچاد و هشت در ابار و نیث نام چون میر و نشا که آن یافت سمرجندی خوشچهر به هنگام آن کرد نیک انجمن در انوقت بد حاکم خبر و در آن آیدند همه مردوزن به ای نامه ارمن سرفراز</p>
--	---

که ماند همیشه بیاون مال
بماند نکو کار او در جهان
که اولایق یاد کاریت بس
شنیدند آن آنجمن نادا
و که دند بسیار ایشان صفا
و در آن پس یکی صورت نیک جم

شود آشکارا همه سال آن
و که نیست همچون بنزد مہمان
و در کار مانا داریت بس
بکشند خوش بمانان آشکار
بان نامور جمشید پاک ذات
بیاون مال بنهادی ترس و غم

در باب مرگ جمشید جی دین و اوان
فرزندان خود را

حکایت باخشنوای جوان

که آن هست با در دورنج و زیان

همی مرکبم آمد اندر جهان
 که هر دم شما کار نیکی کنید
 و کارهای منکو در جهان
 همانند تازنده در دوسرا
 غم من مخورید وقت قصا
 و کر کرد بسیار پسند نکو
 همانوقت بر خاست آسب و شور
 همه مردمان زان غمکین شوند
 به انگریزیان و چه اسلامیان

همانوقت گفت او بر دودمان
 و کار سخاوت نهان و پدید
 کنید و که نام شما جاودان
 بزرگی بسیار نزد خدا
 که دنیای دون است هم بی وفا
 پس آن رفت آن جای پاکیزه خو
 خبر شد هر جای نزدیک دور
 چه زرتشتیان و چه سیدین بدند
 که بودند خوانان جم را همان

که یاران جمشید بودندشان	اباهند و او همچو دیگرگان
دران عمر خود دید بسیار رنج	به بود عمر جمشید هفتاد و پنج
بسی صرفه‌ها کرده بر مردمان	بسی کنج حاصل نموده بسین
برحم خداوند رفت ز دهر	بروزگوار او ابا ماه مهر
ابر دو صد و بست و هفتم شمار	سنه یزد کردی بدان یکه ترا
بماه چهارم بود ای جوان	دو و چارمی بود تاریخ آن
فزون سال پناه و نه را بخوان	سنه عیسوی هشتاد صد بدان
برفته بخت بر کرد کار	رنگ دنیای دون آشکار
که بودند سه نامور پسران	بان نامور جمشید پاک جان

که خورشید و ماه بود اندر جهان

دوم رستم نامور در سخا

بول حاتمى داشت اندر جهان

سیوم بود سهراب پاکیزه رای

یکی دختری هست آن خوب چهر

تو جمله سخاوت بهمشید را

که کرده است ظاهر باند جهان

بر هفتصد بود سی بر هزار

بزمین کونیه رویه هزاران هزار

بزرگ و نکو کار در مردمان

بجاه و جلالت بوده با صفا

بکرده سخاوت پدید و نهان

همی داشت علم و هنر در سر می

وز انام پیروز بانی بمهر

که کرده است دانی بنام خدا

تو رویه که بست و چهار لک بدان

چنین آن سخاوت بگرد آشکار

بکرده سخاوت مرآت نامدار

بگر دست آن نامور بشمار	نهانی سخاوت هزاران هزار
ولی آشکار است اندر جهان	ندارم خبر این سخاوت نهان
ابر روح جمشید پاکیزه دین	هزاران درود و هزار آفرین
بیاد از قرامر ز من کستین	هزاران درود و دعا آفرین
بدنیا ابا سلطنت تلج و گاه	شده اولین فاش جمشید شاه
ور ا نام سر جمشید پاک دین	و گر فاش کشته بدنیامی این
پیر قوم دنیا او یزدان پرست	ز کار سخاوت شد ظاهریست
ابا جاه و عزت ابا دل صفا	جز او نیست دیگر کننده سخا
که کردی سخاوت از او ارجمند	همه مردمان همه آموختند

هنوز نام زنده هست در این زمان

پس از پاک جمشید گشت آشکار

خطاب نکوسر و نائیت را

که تا سال نیکوده و هشتاد

بخورشید را پور سر آشکار

در آن هست پور کلان بهوشیار

که او نامدار هست با جاه و آب

سخنی و خردمند روشن روان

بدولت جوان و بهمت بلند

به پیر و جوان و کهن و جوان

بدا و پور سر خورشید نامدار

که بگذشت با جاه و حکم خدا

ابا نیکی و آبرو در جهان

بدینا که هستند شان یادگار

و را نام سر مانک نامدار

شهرت نامش که چون آفتاب

دل حائمی را و هم نو جوان

بچه آفتابی بسی ارجمند

<p>بگردار نیکو پاکیزه خو بحوال جمشید کردم بسر که ماند از آن نام تا جاودان بزرگی و با آبر و در سرای</p>	<p>بسیرت نکو هم سخن راستگو با یام او مانک نامور بدر نظم آوردم از پر ایمان بدارای خدا مانک نیکو می</p>
<p>در باب ناپایداری دنیا</p>	
<p>که دنیا کی وون هست ناپایدا که نام تو ماند ازین جا بقا که بود یک بیگ سلاطین نشین که جارت شاه سیاهک دلیر</p>	<p>شنوای خردمند پاکیزه گان ز بهر ازین کن تو کار سخا که جارت شان پیشد او یان که باشد کیومرث دانا و پیر</p>

کجارت هوشنگ کام بلند

کجارت جمشید شاه جهان

کجارت شاه منوچهر شیر

کجارت پاکیزه کاوس کی

کجارت کیخسرو تاجور

کجارت کشتاب شهبی بهمال

کجارت داراب شاه کیان

کجارت نوشیروان کدین

کجارت کرشاسپ اسفندیار

کجارت تیمورتش دیوبند

کجاشد فریدون شه پاک جان

کجارت شه کیقباد دلیر

کجاشد سیاوخس فرخنده پی

کجارت لهراسپ شه نامور

کجارت شه بهمن جاه و مال

کجارت شه اردشیر بابکان

کجارت شه یزدگرد آخرین

کجاشد زریمان و سام سوار

کجا شد زواره و سهراب فر

کجا شد فرامرز و برز و زواریو

کجا شد جهان بخش و سام از جند

کجا شد جهان سوزشگر شکن

کجا رفت که غاسپ ثانی شیر

کجا شد فریبرز کردولیس

کجا رفت جاماسپ آن شهم دان

کجا شد اور باد آن خرده ک

که او بود دانا و هم با فرسنگ

کجا رفت مه رستم و زال زر

کجا رفت کوردز و پیرام و کیو

کجا شد جهانگیر باز و بلند

کجا شد که میان شمشیر زن

کجا رفت که و تهور و لیس

کجا رفت کهستم و کرکین پیر

کجا رفت زرتشت اسفندمان

کجا رفت اروای ویران پاک

کجا رفت دستور نیر لوشونک

کجارت دستور ما پیران

کجارت پاهن فریدون ک

کجارت دستور درابا و

کجارت جاماسپ سنانکو

کجارت دستور ملا فیروز

کجارت دستور اسفندیار

کجارت دشاہی خورشیدشا

کجارت فردوسی شاه علم

گذشتند کیتی همه سروران

همال ورا نیست اندر جهان

که او بود دستور با خردناک

بد او پور دستور پاهن نکو

که او بود دستور باراستکو

که او بود عاقل و هم دلفروز

که او بود دانا و پیر سیرکار

که او بود مثل چو خورشید و ما

از وی یافتند هر کسی راه علم

نماند یکی در جهان جاودان

در باب ختم و تاریخ احوال سمرشید جمی



جمی جمی بهائی اول

بنام خداوند بهر دو سرا	بشد ختم احوال جمشید را
بدان امی جوانمرد پاکیزه چهر	بماه بهمن و روز پاکیزه چهر
زیاده بنه دو صد و شصت و چاه	سنه هست شصت و یک و کردی هزار
فرامر زین نور و ز پاک دین	که تصنیف این دان منم کمترین
و را باب خوان مانگ فروشاد	رتن بن منوچهر رتن پاک زاد
بهر کار دین را بد اور بهنمای	بد او پور دستور پاکیزه رای
بجنت برفته بسز در دان	و را نام پاهن فریدون بدان

که نیر یوسونک بن و هبول را بد آن

شده آشکارا شن معنی و پند

هنوز نام زنده است در سندها

و عا گوید از دل برین بنده را

و نسلش بد از دستور پاک جان

که عقل زدانش او ستا و ژند

که مشهور که دست آن نیک را

هر آنکس که خواند باین قصه را

خدا یا برین نظم رحمت رسان

بماند از ان رحم تا جاودان

تمام شد

CHECKED

3755PN-43

Transferred from Occidental
Section

Aug 17 1963
B. 2

